نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۱۲، دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵

توقفِ موقتِ آتش‌بس، جنگ، و منافعِ زحمتکشان

سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی در خدمت سودورزیِ کلان‌سرمایه‌داران است!

با تشدید تنش‌ها، امپریالیسم آمریکا دور جدیدی از حمله‌های نظامی علیه میهن ما انجام داد. طی روزهای اخیر پس از نقض مکرر بندهای یادداشت تفاهم از سوی واشنگتن، در حاشیه نشست سران پیمان ناتو در آنکارا ترامپ توقف آتش‌بس با ایران را اعلام کرد. پس از آن حمله‌های سنگین از سوی ارتش آمریکا به‌سواحل جنوبی کشور و جزیره‌های واقع در خلیج فارس و نیز خطوط راّ آهن به منطقه‌هایی در شمال کشور، استان گلستان انجام شد. به‌این ترتیب جنگ و تجاوز نظامی به‌منظور تحمیل شرایط آمریکا به میهن ما به‌ویژه شکل‌دهی به تنظیمات جدید در تنگه هرمز به موضوع حاد روز بدل شده است. این امر به‌شدت منافع و حق حاکمیت ملی و حقوق مردم ایران را تهدید و با خطرهای جدی روبه‌رو می‌کند.

دراین اوضاع با ژرفش بحران چندوجهی و تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا شکاف در هیئت حاکمه کنونی جمهوری اسلامی تشدید شده است. در این وضعیت وخیم و بی‌ثبات، مجموعه دشواری‌هایی که طبقه کارگر و زحمتکشان در اقصی نقاط کشور با آن از پیش

ادامه در صفحه ۲

تیغ تیز بیکاری بر گلوی کارگران پتروشیمی بر اثر تجاوز نظامی امپریالیسم و رژیم صهیونیستی اسرائیل

صنایع راهبردی پتروشیمی بندر ماهشهر در روز های ۱۵ و ۱۷ فروردین ماه توسط نیروهای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا و سپس در تاریخ ۱۸ خرداد ماه توسط رژیم صهیونیستی اسراییل مورد حمله قرار گرفتند. در خلال فروردین‌ماه بر بخش‌هایی کلیدی از "فجر انرژی" ۱ و ۲ (بخش‌هایی که آب و برق تمام منطقه اقتصادی را تامین می‌کنند)، بخش‌های تأمین‌کننده آب و برق بندر شاپور (بندر امام)، پتروشیمی رازی، و بخشی از پتروشیمی کارون آسیب‌هایی پردامنه وارد شدند. درمجموع شش نفر از کارگران و کارکنان در منطقه پتروشیمی‌های ماهشهر در اثر بمباران‌ها جان باختند و بیش از ۱۷۰ نفر زخمی شدند. تا پیش از شروع جنگ در حدود ۳۵ هزار نفر مستقیماً در صنایع پتروشیمی بندر ماهشهر شاغل بودند. از این تعداد در حدود ۱۲ هزار نفر فقط در مجتمع پتروشیمی بندر شاپور (بندر امام) کار می‌کردند.

پس از تعطیل شدن شرکت‌های پتروشیمی در اثر بمباران‌ها و موشک‌باران‌ها، فقط نیروهای ایمنی کار و حراست در محل پتروشیمی‌ها حضور داشتند. از آن جایی که شرکت‌های پتروشیمی از نیروگاه‌های مشترک تخریب شده استفاده می‌کردند، این نگرانی گسترش پیدا کرد که شغل بسیاری از کارگران و کارمندان منطقه اقتصادی ماهشهر از دست برود. نوع استخدام‌ها در شرکت‌های پتروشیمی قراردادی، پیمانی، و روزمزدی است. نیروهای روزمزدی بیش از همه در معرض از دست دادن شغل خود هستند، زیرا هیچ‌گونه قراردادی با آنان بسته نمی‌شود و کارگران روزمزد پس از اخراج هم زیر پوشش قانون و مزایای بیمه بیکاری قرار نمی‌گیرند. در دوران کوتاهِ آتش‌بس بسیاری از کارگران قراردادی و پیمانی نیز حقوق خود را مانند معمول دریافت نکردند.

لازم به‌یادآوری است آن گروه از کارگران پتروشیمی‌ها که فقط تا خرداد و تیرماه قرارداد داشتند نیز در معرض بیکارشدن قرار گرفتند. یقیناً آمار اخراجی‌ها و کارگران پتروشیمی‌ها که کارشان را از دست داده‌اند بالا است. آمار قابل اطمینانی از تعداد نیروهای بیکار شده در شرکت‌های پتروشیمی در

ادامه در صفحه ۲

مبارزهٔ آموزگاران شاغل و بازنشسته برای زندگی انسانی و علیه سرکوب

به‌رغم سرکوب اعتراض‌های زحمتکشان توسط نیروهای امنیتی رژیم، حتا بعد از کشتار خونین دی‌ماه ۱۴۰۴، مبارزه آموزگاران شاغل و بازنشسته و کارمندان وزارت علوم ادامه دارد. به‌عنوان نمونه‌ای، ۸ تیرماه جمعی از کارمندان دانشگاه‌های سراسر کشور مقابل سازمان اداری و استخدامی کشور تجمع اعتراضی برگزار کردند. علاوه بر اعتراض به شرایط معیشتی خود، "تبدیلِ وضعیت کارمندان قراردادی به پیمانی، تبدیلِ وضعیت کارمندان واجد شرایط به هیئت علمی، امکان ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، پیگیری شناسه برخی از اعضای قراردادی، تسهیلات و امکانات رفاهی همانند اعضای هیئت علمی، احتساب سوابق کار نیروهای شرکتی شاغل در دانشگاه‌ها، ساماندهی بیمه تکمیلی و پرداخت حداکثر سهم سازمان در مبداء وزارتخانه برای همه کارمندان دانشگاه‌ها و درنهایت فوق‌العاده ویژه از جمله مطالبات اصلی این نیروها" بود. معترضان همچنین خواستار "اجرای کامل و جامع آیین‌نامه استخدامی مصوب کارمندان و برنامه‌ریزی جهت تدوین و اجرای یک آیین‌نامه واحد پرداخت حقوق و مزایا برای کارمندان و اعضای هیئت علمی و برقراری فوق‌العاده ویژه قانون بودجه سال ۱۴۰۱ و پرداخت معوقات آن از مهرماه ۱۴۰۱ تا کنون" شدند.

در پی انتشار گفتگوی علاالدین ازوجی، مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری، ۱۶ خرداد، محمدرضا انتظاریان، نماینده بازنشستگان آموزش و پرورش در استان خراسان شمالی در نامه‌ای نوشت: "بازنشستگان حق دارند بدانند، حقوق آنان دقیقاً بر اساس چه فرمول و محاسباتی تعیین شده است؛ متناسب‌سازی حقوق‌ها بر چه مبنایی اجرا شده است؛ هر یک از افزایش‌ها چگونه محاسبه شده‌اند؛ و اجزای تشکیل‌دهنده احکام حقوقی آنان چیست؟" به‌رغم افزایش ۴ برابری پرداختی بازنشستگان کشوری بابت بیمه تکمیلی، از ۲۱۰ هزار تومان در سال گذشته به ۸۴۰ هزار تومان، انتظاریان، ۲۵ خرداد ، با تاکید بر اینکه "حدود ۲۷ هزار میلیارد تومان بدهی صندوق بازنشستگی کشوری به کلیه شرکت‌های بیمه تکمیلی تسویه نشده است" گفت: "بسیاری از موارد و ردیف‌های درمانی ما در خدمات بیمه تکمیلی سال‌های قبل فاقد سقف بود که امروز پس از انتشار دیرهنگام مفاد قرارداد بیمه تکمیلی، مشخص شده که سقف پایینی برای آن درنظر گرفته شده است. بسیاری از تعهدات دارویی باوجود افزایش حق بیمه

ادامه در صفحه۳

پیش به‌سوی سازمان دهی جنبش اعتصابی سراسری کارگران ایران!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

ادامهٔ توقفِ موقتِ آتش‌بس، جنگ، و ...

روبرو بودند، گسترده تر شده‌اند. آن چه به‌روشنی دیده می‌شود، عبارت است از گسترش فقر و بیکاری، تورم روزافزون و ادامه روند مشقت‌بار شدن هرچه بیشتر زندگی اکثریت مردم در اثر نامتناسب بودن درآمدها نسبت به آن چه برای یک زندگی حداقلی لازم است.

در موقعیت اضطراری اصولاً وظیفه یک دولت ملی، منتخب، و حامی اکثریت مردم اجرایِ سیاست‌هایی است که در راستای منافع زحمتکشان باشد و از فشار ناشی از پیامدهای ویرانگر تجاوز نظامی که بیش از همه بر هستی لایه‌های تهی‌دست جامعه وارد می‌آید بکاهد. در ایجاد همبستگی ملی میان طبقه‌ها و لایه‌های خلقی جامعه به‌منظور دفاع از میهن در برابر متجاوزین مؤثر باشد. آشکار است که بر خلاف چنین سیاست‌هایی، حکومت جمهوری اسلامی درست در جهت عکس خواست‌های زحمتکشان و اکثریت مردم عمل می‌کند.

نهادها و تشکل‌های کلان‌سرمایه‌داران در بخش خصوصی مانند کانون انجمن صنفی کارفرمایان، و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، همه توان خود را در پشتیبانی و هدایت سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی در راستای منافع خود به‌کار می‌برند. روشن است که اجرای برنامه‌هایی مانند تعدیل ساختاری، خصوصی‌سازی، و آزادسازی اقتصادی به‌شدت حقوق و منافع طبقه کارگر و زحمتکشان را پایمال و نابود می‌کند.

یکی از سیاست‌های ضدکارگریِ پیشنهادیِ اتاق بازرگانی که منافع کلان‌سرمایه‌داران را مدنظر دارد، اصلاح قانون مشاغل سخت و زیان‌آور کارگران با هدف محدود کردن هرچه بیشتر مزایای مورد نیاز این دسته از شاغلین است. گرچه محدودیت‌های منظور شده در اصلاح این قانون هنوز رسماً تصویب نشده‌اند، عملاً در اثر روند کُند رسیدگی به پرونده‌های مشاغل سخت وزیان‌آور، این محدودیت‌ها عملاً وجود دارند: فقط در استان بوشهر، تا ۶ تیرماه ۱۴۰۵، بیش از ۹ هزار پرونده مشاغل سخت و زیان‌آور درکمیته‌های بدوی و تجدیدنظر در حال بررسی بودند، و تکلیف آن ها هنوز روشن نیست.

محسنی اژه‌ای چهرهٔ بدنام و رئیس قوه قضاییه در کمال وقاحت به‌جای ابراز کوچک‌ترین نگرانی در مورد شرایط غیرقابل تحمل معیشت کارگران و زحمتکشان، از دغدغه‌های خود در مورد کاهشِ سودورزیِ کلان‌سرمایه‌دارها و نقش بخش خصوصی سخن می‌گوید. در خردادِ ماه سالِ جاری در جمع تعدادی از سرمایه‌داران بخش خصوصی او مدعی شد که در اثر جنگ "ناملایمات اجتماعی و سختی‌های بسیار زیاد به وجود نیامده‌اند" [!]، و ضمن تعریف و تمجید از فعالان بخش خصوصی در "اتاق"های بازرگانی، اصناف، و "اتحادیه"های کارفرماها، با تاکید بر اهمیت میدان دادن بیش‌ازپیش به بخش خصوصی گفت: "دولت باید هادی، حامی، و ناظر بر بخش خصوصی باشد. ... نباید به اسم نظارت، هزار نوع محدودیت را بر بخش خصوصی تحمیل کرد. "

از سوی دیگر روند تقویت بخش خصوصی- بخش خصوصیِ عمدتاً دلال و رانت‌خوار- و به واگذار کردن اموال عمومی به سرمایه‌دارانِ بزرگ در دورهٔ بحرانی کنونی به‌شدت ادامه داده می‌شود. به گزارش روابط عمومی سازمان خصوصی سازی دولت جمهوری اسلامی، شصت‌ونهمین جلسه کارگروهِ تخصصی هیئت واگذاری در روز شنبه ۱۶ خردادماه، به‌ریاست معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رییس کل سازمان خصوصی‌سازی و با حضور نمایندگان اعضای هیئت واگذاری برگزار شد تا به واگذاری دارایی‌های عمومی به بخش خصوصی و سرمایه‌داران بزرگ ادامه دهد. فقط در سال گذشته بیش از ۱۷۱ همت (هزار میلیارد تومان) از دارایی‌های دولتی به سرمایه‌دارهای بخش خصوصی واگذار شد.

در دوران جنگ و روزهای پس از آن بسیاری از کلان‌سرمایه‌داران ایران با استفاده از حمایت حکومت جمهوری اسلامی و به‌خصوص وزارت کار که ممانعتی برای اخراج کارگران ایجاد نمی‌کند، تعدادی کثیر از کارگران را به‌بهانه جنگ و نبود مواد اولیه اخراج کرده‌اند. این اخراج‌های غیرقانونی در حالی است که فعالیت تولید متوقف نشده است و هیچ‌گونه خسارتی مستقیم از شرایط جنگی را این واحدهای تولیدی یا خدماتی متحمل نشده‌اند.

بر اساس گزارش‌های منتشره طی جنگ و تجاوز نظامی امپریالیسم بین ۲ تا ۳ میلیون شغل از اقتصاد کشور حذف شده‌اند. در بمباران روزهای اخیر نیز بخشی از زیرساختارها تخریب شده یا آسیب شدید دیده‌اند. آمار نشان می‌دهد که از هر ۶ نفر کارگر بیکار شده، فقط یکی از آنان زیر پوشش بیمه بیکاری قرار دارد. رواج گستردهٔ قراردادهای غیررسمی و موقت در چارچوب برنامه مقررات‌زدایی و سایر سیاست‌های تعدیل ساختاری باعث شده است در دوران بحرانی کنونی بسیاری از کارگران شرایط قانونی لازم را برای دریافت بیمه بیکاری نداشته باشند.

بهانه‌تراشی به‌منظور رد تقاضای دریافت بیمه بیکاری و انجام بازرسی‌های سختگیرانه توسط مسوولین دولت شگردی دیگر است که موجب قطع بیمه بیکاری به‌دلایل واهی می‌شوند. طبق گفته مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، تا ۲۳ خرداد ماه امسال از ۲۶۱ هزار نفر که برای دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کرده بودند، فقط نیمی از آنان موفق شده‌اند مبلغ ناچیز بیمه بیکاری که هیچ قرابتی با هزینه حداقل نیازهای روزمره ندارد را دریافت کنند.

در جریان جنگ و تجاوز امپریالیسم بسیاری از صنایع راهبردی و واحدهای تولیدی میهن ما در اثر بمباران‌های سهمگین آسیب دیده یا تخریب شده‌اند. خواست مردم به‌ویژه کارگران و زحمتکشان بازسازی زیرساخت‌ها و مراکز اشتغال است که افزون بر صلح پایدار، با تامین کردن منافع طبقه کارگر و زحمتکشان همراه باشد. جنگ، حمله‌های نظامی هدفمند، برای درهم شکستن زیرساختارهای کشور با مقاومت و مخالفت همه نیروهای مترقی و مردمی روبه‌رو بوده و هست. در این اوضاع مبارزه برای صلح، دفع تجاوز نظامی و پایان‌دادن به سرکوب و استبداد و توقف برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی ضدملی از وظایف جنبش کارگری است.

ادامهٔ تیغ تیز بیکاری بر گلوی کارگران ...

دست نیست، چون شرکت‌ها موظف شده‌اند که آمارشان را اعلام نکنند.

کارگران پتروشیمی در بندر شاپور (بندر امام) و ماهشهر پیش از این نیز تیغ تیز و برنده بیکاری را بر گلوی خود حس می‌کردند. خبرهای به‌دست‌آمده از منابع فعالان کارگری حاکی از آن است که شرکت پتروشیمی "پترونات" که از شرکت‌های زیرمجموعه و پیمانکاری "پتروشیمی مارون" است، و شرکت‌های زیرمجموعه و پیمانکاری‌های "پتروشیمی فجر" و امیرکبیر مستقر در منطقه ویژه اقتصادی با استناد به این بهانه که کارها پروژه‌ای هستند و پروژه خاتمه یافته است، به اخراج کارگران اقدام کرده‌اند. افزون بر این، شواهد امر نشان می‌دهند شرکت‌های پتروشیمی با همکاری شرکت‌های پیمانکار و مراجع اداری وزارت کار، کارگران روزمزد را بدون قرارداد برای کارهای طولانی مدت استخدام می‌کنند و درنتیجه کارگران پس از اخراج نمی‌توانند از مزایای بیمه بیکاری استفاده کنند. این در حالی است که استخدام با قرارداد موقت یا استخدام کارگران روزمزد برای کارهای دایمی خلاف همین "قانون کار" نیم‌بندِ جمهوری اسلامی است. کارگران اخراجی شرکت‌های پتروشیمی ماهشهر در مواردی متعدد در مقابل اداره کار، دادگاه‌ها، و فرمانداری ماهشهر تجمع کرده‌اند و دست به اعتراض زده‌اند. ازجمله در هفته‌های اخیر حدود ۵۰ کارگر بیکارشدهٔ پتروشیمی تخت جمشید ماهشهر با سابقهٔ کاری بین ۵ تا ۱۲ سال زیر مسئولیت یک شرکت پیمانکار در پتروشیمی تخت جمشید مشغول به‌کار بودند و حدود سه ماه است که از ورود آنان به محل کار جلوگیری می شود در روز چهارشنبه ۲۸ خردادماه در مقابل ساختمان فرمانداری بندر ماهشهر تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند.

کارگران شرکت‌های پتروشیمی بندر ماهشهر بهبود وضعیت شغلی، عقد قراردادهای رسمی، تامین امنیت شغلی، تضمین منافع صنفی، و لغو قانون‌های استخدامیِ کارگرستیز را خواهان هستند. دست یافتن به این خواست‌ها در صنایع پتروشیمی و سایر صنایع راهبردی در گرو به‌وجود آوردنِ تغییرهایی اساسی در تمامی قانون‌های ضدکارگری در زمینهٔ اشتغال و لغو سایر بخش‌های برنامه اقتصادی تعدیل ساختاری است.

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

نام‌های نازدودنی!
سیرِ جنبشِ سندیکایی ایران و چهره‌های آن

معرفی چهره‌ها و مبارزان بنام و گُمنامِ جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما شمه‌ای به‌منظور آشنا شدن نسل جوان ما با تاریخ پرافتخار جنبش کارگری ایران است. و قهرمانان این سرگذشت با نثارِ جان پرچم این پیکار تاریخی را در اهتزاز نگه داشته‌اند و دوام حیات و فعالیتش را ممکن ساخته‌اند.

در ادامه انتشار رشته مطالب زیر عنوان "نام‌های نازدودنی" به معرفی چهره‌ای دیگر، گُمنام، اما استوارِ جنبش کارگری می‌پردازیم. کارگرِ توده‌ای رفیق ارمنی "اوهان یاریجانیان"، کارگر برق، زحمتکشی بود که جان بر سر آرمان‌های والای طبقهٔ کارگر نهاد.

"اوهان یاریجانیان"، مبارز خستگی‌ناپذیر جنبشِ سندیکایی و کارگری ایران

از زندگی و محل تولد رفیق توده‌ای اوهان یاریجانیان همانند گروهی کثیر از مبارزان جنبش کارگری اطلاعاتی روشن و دقیق در دسترس قرار ندارد. برخی منابع زادگاه او را شهر رشت و برخی از منابع دیگر بندر انزلی (تغییرنام داده شده سابقاً به پهلوی) می‌دانند.

مطابق اسناد و پژوهش‌های موجود، اوهان یاریجانیان در خانواده‌ای زحمتکش به‌دنیا آمد و از همان دوران نوجوانی در تلاش برای معاش در کارگاه‌های مختلف برق و مکانیک به‌کار پرداخت. کار دشوار در سنین نوجوانی خیلی زود او را با واقعیت جامعه طبقاتی آشنا ساخت. طعم فقر را چشید و استثمار را با پوست و گوشت تجربه کرد. او که استعدادی درخشان از خود در فراگیری حرفه‌اش (برق، سیم‌کشی، و مکانیک) نشان می‌داد، خیلی زود به کارگری ماهر و حرفه‌ای، به استادکاری تمام‌عیار در حرفهٔ برق تبدیل شد.

هم‌زمان با موج تحول‌های سیاسی - اجتماعی ابتدای سال‌های دهه ۱۳۲۰ با ایمانی راسخ و آگاهی طبقاتی‌ای درخور کارگر ماهری در صنعت به صف‌های حزب پرافتخار طبقه کارگر ایران- حزب تودهٔ ایران- پیوست. دانش سیاسی و آگاهی‌های اجتماعی و سندیکایی‌اش را در مکتب حزب توده‌ها فرا گرفت و گسترش داد. او از نخستین فعالان "اتحادیه کارگران ماهر" دربر دارندهٔ کارگران مکانیک، سیم‌کش، و برق‌کار، در اوائل سال‌های ۱۳۲۰ بود.

رفیق اوهان یاریجانیان در سال ۱۳۲۴- ۱۳۲۵ به عضویت هیئت مدیره و کمیتهٔ اجرایی اتحادیه کارگران ماهر درآمد. این سندیکا یکی از فعال‌ترین تشکل‌های سندیکایی در چارچوب "شورای متحدهٔ مرکزی" بود. اتحادیه کارگران ماهر در سازمان‌دهی تجمع‌ها و اعتراض‌ها و به‌طور کلی مبارزات سندیکایی طبقه کارگر ایران به‌رهبری "شورای متحدهٔ مرکزی" نقشی بسیار جدی و پُررنگ داشت. اوهان یاریجانیان در مقام کارگری توده‌ای و مبارز با تجربه سندیکایی‌اش در حرکت‌ها و اعتصاب‌های کارگری سال‌های دههٔ بیست و سی از چهره‌های شاخص و سازمان‌گرانِ مجرب به‌شمار می‌آمد. او به‌حق از زمره مبارزان پرشور جنبش سندیکایی در دوران شکوفایی آن بود.

از تلاش‌های به‌یاد ماندنی این کارگر قهرمان توده‌ای در ارتباط با اعتصاب کارگران برق شهر رشت است. کارگران کارخانه برق رشت در شرایطی دشوار زندگی می‌کردند. این وضعیت سبب گسترش نارضایتیِ این کارگران بود. اتحادیه‌های کارگران ماهر که اعضای شورای متحدهٔ مرکزی نیز بودند دست به‌کار شدند تا زیر عنوان تشکل سندیکایی به یاری کارگران برق شهر رشت بشتابند. در ۹ مهرماه سال ۱۳۲۵ اعتصابی متشکلِ دو روزه‌ای از سوی کارگران کارخانه برق شهر رشت برپا شد. یکی از سازمان‌گران اصلی اعتصاب که از سوی شورای متحدهٔ مرکزی مسئولیت هماهنگی اعتصاب را برعهده داشت رفیق توده‌ای اوهان یاریجانیان بود. این اعتصاب که با همبستگی کارگران دیگر شهرها همراه شد به دست یافتن به برخی خواست‌های کارگران و افزایش مزایای شغلی آنان منجر گردید.

پس از آن، در جریان توطئه غیرقانونی اعلام کردنِ حزب تودهٔ ایران و یورش به مطبوعات مترقی در ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۲۷(در جریان ترور نافرجام محمدرضاشاه) رفیق اوهان یاریجانیان که از کادرهای شناخته شدهٔ حزب و فعالان سندیکایی بود، مورد پیگرد قرار گرفت که در نتیجهٔ آن مدتی متواری شد. با تغییر و تحول‌های سیاسی در سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰، پس از مدتی و بار دیگر در تهران و شهرهای دیگر رفیق یاریجانیان به انجام وظیفه‌هایی که به او محول می‌شد و مسئولیت‌هایی که بر عهده داشت با اراده‌ای آهنین مشغول شد که از آن جمله شرکت در سازمان دادن اعتصاب کارگران کارخانه برق همدان در سال ۱۳۲۸ بود.

در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ شهریورماه سال ۱۳۲۸ تمام کارگران کارخانه برق همدان به‌علت رفتار توهین‌آمیز و کارفرما دست به اعتصابی یکپارچه زدند. این اعتصاب توسط سندیکاهای وابسته به شورای متحدهٔ مرکزی رهبری می‌شد که رفیق یاریجانیان یکی از اعضای اصلی و فعال آن بود. به‌علاوه او از سوی کارگران و اتحادیه‌های کارگران ماهر عضو کمیسیون حل اختلاف میان کارفرما و کارگران کارخانه برق همدان بود و در نشست‌های این کمیسیون در مقام نمایندهٔ کارگران شرکت می‌کرد.

همچنین در سال ۱۳۲۹ با تشدید فعالیت جنبش کارگری، سندیکاهای کارگری تشکیل هیئتی به‌منظور نظارت بر صندوق تعاون کارگران را خواستار شدند. در اثر مبارزهٔ جانانهٔ زحمتکشان در دوم مهرماه ۱۳۲۹ در جلسهٔ شورای عالی کار کمیسیونی در این ارتباط تشکیل شد. نقش رفیق یاریجانیان همراه با رفقا ولی‌الله مظاهری و تقی باقری در تشکیل هیئت نظارت بر صندوق تعاون کارگران در آن مقطع زمانی فراموش نشدنی است. فعالیت خستگی ناپذیر از رفیق یاریجانیان چهره‌ای قابل اعتماد برای کارگران ساخته بود. او در تجدید انتشار و بازانتشار روزنامهٔ "ظفر"- ارگان شورای متحدهٔ مرکزی- در سال ۱۳۲۹ نیز نقش بسیار فعالی داشت. با کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد، رفیق یاریجانیان که از مبارزان شناخته‌شده و کادرهای بسیار فعال حزب تودهٔ ایران بود، توسط مأموران رُکن دو و شهربانی دستگیر شد. "در سال ۱۳۳۲ مأمورین پلیس مخفی شهربانی و رکن دو او را دستگیر و در شهربانی زیر شکنجه وحشیانه به شهادت رساندند. جانیان رژیم پهلوی حتی جنازه‌اش را هم به خانواده‌اش تحویل ندادند." با جان باختن رفیق "اوهان یاریجانیان" حزب تودهٔ ایران یکی از کادرهای توانا در جنبش سندیکایی و مبارز باتجربه و ثابت‌قدم خود را از دست داد. نام و راهِ این کارگر قهرمان الهام‌بخش مبارزات توده‌های کار و زحمت بوده است.

ادامهٔ مبارزهٔ آموزگاران شاغل و بازنشسته ...

پرداختی برای بیمه تکمیلی، کماکان پوشش داده نمی‌شود. اکنون سه ماه است که مراکز درمانی طرف قرارداد، به‌صورت یک طرفه قرارداد خود را با شرکت بیمه تکمیلی دی لغو کرده‌اند. برخی دیگر خدمات خود را با چراغ خاموش قطع کرده‌اند. در مقابل صندوق بازنشستگی کشوری نیز هیچ تعهدی بر گردن نمی‌گیرد." در کارزاری، هفتم تیرماه، بازنشستگان فرهنگی ایران با اشاره به مشکلات معیشتی معلمان عنوان کردند: "بسیاری از همکاران در چهار ماه تعطیلات تابستانی - که باید صرف مطالعه، آموزش مداوم و به‌روزرسانی دانش حرفه‌ای شود - ناچار به مشاغل سخت مانند کارگری و بنایی می‌شوند... این وضعیت نه‌تنها شأن و منزلت معلمی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه کیفیت نظام تعلیم و تربیت کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. معلم شایسته است به‌جای جستجوی کار دوم، زمان خود را صرف تقویت دانش و مهارت‌های تربیتی نماید تا بتواند نسلی توانمند و متعهد تربیت کند." فردای آن روز بعد از دهه‌ها غارت صندوق‌های بازنشستگی زحمتکشان توسط کارگزارن رژیم، ۸ تیرماه، دیوان محاسبات کشور در گزارشی در مورد صندوق بازنشستگی کشوری اعلام کرد: "بررسی‌ها نشان می‌دهد اجرا نشدن تعهدات قراردادی، اخذ نشدن تضامین لازم، ضعف در پیگیری‌های حقوقی و کاستی در صیانت از منافع شرکت‌ها، در مواردی منجر به تحمیل زیان‌های قابل توجه ریالی و ارزی شده است."

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری: نقضِ حقوق دموکراتیک کارگران در آستانهٔ سی‌وششمین نشستِ «ناتو» در ترکیه را محکوم می‌کند!

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری" ((WFTU، در مقام صدای صدوپنج (۱۰۵) میلیون کارگر، نقضِ حقوق دموکراتیک و حقوق اتحادیه‌های کارگری در ترکیه را در آستانه برگزاری سی‌وششمین اجلاس ناتو که در روزهای ۱۶ و ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵ (۷ و ۸ ژوئیه ۲۰۲۶) در آنکارا برگزار می‌شود، به‌طور قاطع محکوم می‌کند. اجلاس امسال در شرایطی برگزار می‌شود که تنش‌ها و رقابت‌ها میان ایالات متحده، اتحادیه اروپا، و دیگر دولت‌های امپریالیستی تشدید شده و بسیاری از کانون‌های بحرانی جنگ همچنان ادامه یافته و گسترده‌تر شده‌اند و افزایش هزینه‌های نظامی رویارویی‌ها را بیش‌ازپیش تشدید کرده و زمینه را برای درگیری امپریالیستی‌ای فراگیر همراه با پیامدهایی فاجعه‌بار برای قشرهای زحمتکش و مردم عادی زمینه‌سازی کرده است. به‌طور مشخص، دولت ترکیه عملاً تصمیم گرفته است در آنکارا وضعیت تعطیلی و محدودیت شدید برقرار کند و تمامی تجمع‌ها و فعالیت‌های اعتراضی را به مدت ۱۳ روز، از ۷ تیر تا ۲۰ تیرماه (۲۸ ژوئن تا ۱۰ ژوئیه) ممنوع سازد. هدف از این اقدام، جلوگیری کردن از هرگونه اعتراض و تظاهرات علیه اجلاس ناتو در سال ۲۰۲۶ عنوان شده است. این تصمیم آشکارا ناقض اصول و حقوق دموکراتیک بوده و حق برگزاری تجمع و اعتراض را به‌شدت محدود می‌کند. در نتیجهٔ این اقدام‌های غیرقانونی و غیردموکراتیک حدود دویست (۲۰۰) نفر، دو هفته پیش از آغاز اجلاس بازداشت شده‌اند.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری با سازمان‌های عضو، دیگر اتحادیه‌های کارگری و جنبش‌های مترقی‌ای که در تدارک یک تظاهرات اعتراضی‌ای گسترده علیه اجلاس ناتو و برنامه‌های جنگ‌طلبانه امپریالیست‌ها هستند همبستگی کامل خود را اعلام می‌کند.

جنبش بین‌المللی سندیکاهای کارگری خواستار آزادی فوری تمامی معترضان بازداشت‌شده، احترام کامل به حقوق دموکراتیک، و تشدید مبارزات کارگران سراسر جهان برای انحلال ناتو و تمامی ائتلاف‌های نظامی، نابودیِ کامل سلاح‌های هسته‌ای، و احترام به استقلال و حاکمیت همه کشورها است.

[منبع: برگرفته از سایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، ۹ تیرماه ۱۴۰۵].

کارگران آلمان: نابودیِ "خدمات اجتماعی" به‌زیانِ همهٔ ماست و پاسخ ما مقاومت و مبارزه است!

سیاستِ دولت ترکیبی از بی‌رحمی و تحقیرِ آشکار همهٔ ماست. دولت فکر می‌کند می‌تواند از طریق کاهشِ خدمات اجتماعی و بدون روبرو شدن با کم‌ترین مخالفت ممکن به مقصدش برسد. در هفته‌های اخیر روزی نبوده است که یکی از اعضای دولت از جمله مرتس، وارکن، باس، بار، و جز اینان، با پیشنهاد کاهش هزینه‌ها و طرح‌های ریاضتی مضحک خبرساز نشده باشند. مستمری، ساعت کار، بیمه خدمات بهداشت و سلامت، کمک به جوانان، کمک هزینهٔ دانشجویی، و دیگر خدمات اجتماعی در برابر یورش همه‌جانبهٔ "دولت رفاه" در خطر و مورد تردید قرار گرفته‌اند و همزمان هم ادعا می‌شود هیچ گزینه‌ای دیگر وجود ندارد و همهٔ اقدام‌های دولت به‌شکلی منطقی پیش می‌روند، همین است که هست! آیا این همه واقعیت است؟ پس میلیاردها یورو کجا رفته‌اند؟ آن‌ها [این میلیاردها] برای تولید تسلیحات نظامی و تدارکات جنگی هزینه می‌شوند. آن‌ها [این میلیاردها] صندوق کنسرن‌ها و جیب ثروتمندان را پر می‌کنند. ...

قانون هشت ساعت کار روزانه در آلمان به ما کارگران اهدا نشده است. برای دست یافتن به آن مبارزه کرده‌ایم. اینکه اکنون آن را با عنوان "انعطاف ناپذیر"، "کهنه شده" یا نامناسب با نیازهای ما معرفی می‌کنند، روشی است که به قصد تحقیر ما به‌کار می‌برند. مدیر "مؤسسه اقتصادی آلمان" در توضیح این موضوع می‌گوید: "مسئله بر سر ساعت کاری بیشتر نیست، بلکه بحث بر سر توزیع متفاوت ساعت کار است." او گویا از مبارزه ما کارگران که در گذشته و در هر روز و در هر تناوب کاری برای اینکه بتوانیم به‌موقع به خانه برویم بی‌اطلاع است. مبارزه ما کارگران به‌خاطر حجم زیاد کار بوده است و خواستیم که پس از هشت ساعت کار طاقت فرسا به کار خاتمه دهیم. گویا استفاده از ساعت اضافه کاری برای صرف وقت آزاد و آرامش به همین آسانی به‌دست آمده است. "انعطاف پذیری" بیشتر به این معنی است که ما کارگران با نا امیدی سعی می‌کنیم اضافه‌کاری را از آغاز تا پایان هفته به‌شکلی استفاده کنیم، ولی با این حال موفق نمی‌شویم. چه خواهد شد اگر قانون ساعت کار که قرار است شرایط کاری ما را بهبود ببخشد "اصلاح" شود؟

کار بیشتر به‌قیمت جان و سلامتی ما، این همان نقشه‌ای است که "مرتس" درنظر دارد اجرا کند. ... تهدیدها به کاهش خدمات اجتماعی، صد درصد به‌زیان همهٔ ما خواهد بود. به‌زیان کارگران و زحمتکشان، بیکاران، بیمه شدگان، به‌زیان کسانی که بیمار هستند یا در آینده بیمار خواهند شد، بازنشستگان، کودکان و جوانان و والدین آنان. بنابراین مهم است که ما به‌همراه افرادی هر چه بیشتر که تحت تأثیر اقدام‌های ریاضتی قرار گرفته‌اند با عزمی راسخ و قاطع در برابر آنان [اعضای "دولت رفاه"] مقاومت کنیم. "دولت رفاه" تأمین کننده همه نیازهای زندگی نیست، ولی بدون "دولت رفاه"، بدون سامانه خدمات سلامتی و درمانی، مسکن، و وقت کافی برای زندگی، دیگر همهٔ اجزای زندگی بی‌معنی خواهد بود. بنابراین اعتراض‌ها علیه کنفرانس وزرای بهداشت می‌تواند تنها آغازی برای مقاومت مشترک و میلیونی از طرف همه کسانی باشد که نسبت به کاهش خدمات اجتماعی و سیاست "تعدیل ساختاری" زیان دیده‌اند.

نویسنده: "تاتیانا سامباله"

[منبع: ترجمه و تلخیص از نشریهٔ "عصر ما"، روزنامهٔ "حزب کمونیست آلمان" (د کا پ)، پانزدهم خردادماه ۱۴۰۵].

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس سایت حزب: http://www.tudehpartyiran.org
ای-میل حزب: E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de
تلگرام حزب: https://t.me/tudehpartyirandotorg
فیس بوک حزب: https://www.facebook.com/profile.php?id=100064514717426
توییتر حزب: https://x.com/OfficialTudeh

For Peace, Independence, Democracy, Social Justice and Socialism

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

Workers Supplement of "Nameh Mardom" No. 112, 13 July 2026
Central Organ of the Tudeh Party of Iran